

چالش‌های فراوری و ترجمه قرآن در عصر جهانی شدن

محمد رضا آرام*

چکیده

این روزها دغدغه و اضطراب جهانی شدن، مشغله ذهنی بسیاری از متفکران عرصه سیاست، اقتصاد و غیره را تشکیل می‌دهد و همه به نوعی از دید خود به این مقوله پرداخته و آن را رد یا قبول می‌کنند و آنچه در این مقوله به فراموشی سپرده شده و یا حداقل کمتر توجه شده است، توجه به نقش ترجمه‌های قرآن کریم و جایگاه آن در این زمینه است. این پژوهش می‌کوشد تا ضمن اراده معنای مورد نظر از مفهوم جهانی شدن، اصول، ویژگی‌ها، نتایج و پیامدهای آن، ساز و کارهای تحقق طرح جهانی سازی فرهنگ قرآن و آسیب‌های جهانی شدن دین را بررسی کند و سپس چالش‌های فرهنگ قرآنی در عصر جهانی شدن را بیان کند. این مقاله «قرآن» و «جهانی شدن» را ملازم هم دانسته و بیان می‌کند قرآن کریم وحی نامه الهی است که برای هدایت نظری و علمی انسان در همه عصرها آمده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ترجمه، چالش، جهانی شدن، فرهنگ، آسیب، پژوهش، پیامدها.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی-ایران. Mohammadreza.Aram@yahoo.com

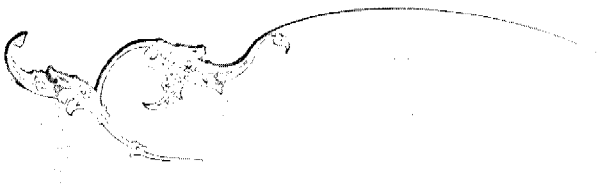
مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن یک فرایند طبیعی است که می توان از آن به جبر تاریخی نیز تعبیر کرد. به هر حال جهان در حال «شدن و دگرگونی» است و هرگز دارای حالت ایستایی نیست. تا کنون تعاریف مختلفی از مفهوم جهانی شدن ارائه شده است که این خود نشان از عدم توافق کلی میان محققین علوم اجتماعی و سیاسی بر روی چیستی این مفهوم می باشد. در یک تعریف ساده می توان جهانی شدن را حاصل گسترش روابط و تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان دولت ها و جوامع با یکدیگر دانست. واژه جهانی شدن و جهانی سازی برای توصیف مرحله بین المللی شدن ارتباطات چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق مبادله و انواع پیام ها به کار رفته است. (پلینز، ۱۳۵۷: ۴۲۲)

راقم این سطور با تعریفی که توماس ال فریدمن از جهانی شدن ارائه می کند موافق است، او می گوید: جهانی شدن همان ادغام مستحکم بازار، دولت های ملی و فناوری های پیشرفته تا به حدی است که قبلا شاهد آن نبودیم و آن به گونه ای است که افراد، شرکت ها و دولت ها را قادر می سازد تا بیشتر، سریعتر، عمیقتر و ارزانتر از قبل به سرتاسر جهان دسترسی پیدا کنند و از طرف دیگر جهان را قادر می سازد تا بیشتر، سریعتر، عمیقتر و ارزانتر از هر زمان قبل به افراد، دولت ها و شرکت ها دسترسی پیدا کنند.

جهانی شدن فرآیندی متنوع و قدرتمند است که در جنبه های فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، ورزشی و غیره جامعه جهانی در حال به وقوع پیوستن است. جان تالینسون در تعریف جهانی شدن می گوید: جهانی شدن در فرایند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع فرهنگ ها، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهانی معنا پیدا می کند و هاروی جهانی شدن را متضمن دو عنصر فشردگی در زمان و مکان و کاستن از فاصله ها می داند.

«پویایی» و دگرگونی در ذات جهان و همه پدیده های مرتبط و به ویژه داخل آن وجود دارد. اختلاف دو دسته از اندیشمندان در خوش باوری و بدباوری ایشان نهفته است. آنان که به آینده خوش بین نیستند و فلسفه ای را برگزیده اند که جهان را برای ایشان به گونه ای تبیین



می کند که به سوی نیستی، بدی و زشتی و پلیدی می رود. آنان از هرگونه تحول ترس دارند و در برابر آن مقاومت می کنند، از این رو چاره اندیشی می کنند تا به نظر خودشان دست کم از سرعت دگرگونی و نیستی بکاهند و دمی حرکت را بازدارند.

در برابر ایشان، در آن سوی دیگر گروهی دیگر بر این باورند که این شدن همواره به سوی کمال و بالندگی است، هر چند که در برخی از زمان ها و مکان ها با چالش رو به رو است ولی در عموم و کل «شدن کمالی» در حال تحقق است.

این نظر خوش بینانه فلسفه بسیاری از مردم به ویژه دینداران است، آنان نه تنها در «روز پسین» و فردای رستاخیز «شدن کمالی» را می بینند و به آن باور دارند، بلکه در همین دنیا و در پایان آنچه پایان تاریخ نیز گفته اند، انتظار کمال را می کشند که در آن فرد و جامعه انسانی به کمال مطلوب خود می رسد و در همین دنیا منجی خواهد آمد و زمام امور هستی را در یک جامعه جهانی با مؤلفه های عدالت فراگیر و توسعه و رفاه عمومی به دست خواهد گرفت.

جهانی شدن و تشکیل حکومت جهانی از دیر باز به عنوان یکی از آرمان های بشریت مطرح بوده است. انسان ها همواره خواهان آن بوده اند که در پرتو اصول مشترک و متعالی به جنگ ها و درگیری ها خاتمه داده و زندگی مسالمت آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده بشریت بشارت داده اند که وجود تفکر ظهور یک منجی جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی بر این ادعا می باشد. (خلیلیان، ۱۳۶۲: ج اول، ۱۱۲) اینان به «جهانی شدن» باور تام و تمام دارند و آن را به عنوان یک امید و روزنه ای برای ادامه بقا و انجام وظیفه پیش روی خویش گشوده اند، در حالیکه زمانه هرگونه ناملایمات را برای آنان فراهم آورده ولی امید به کمال و تعالی انسان و جامعه بشری آن را شاد و با انگیزه کرده است.

از طرف دیگر، ادیان خصلتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق بر می گردد. پیام الهی برای تمامی انسان هاست و تنوع ادیان آسمانی نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه در ویژگی های عصری آنهاست. پیام الهی واحد است (ان الدین عندالله الاسلام) و در نتیجه مخاطب آن نیز تمام انسان ها هستند. از این رو مهدویت اسلامی

نیز هرگز تعلق به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی ندارد و تدبیر الهی برای تمامی انسان هاست و از این رو گستره ای جهانی دارد.

ادیان در کل و برخی از مکاتب بشری خصلتی فراگیر و جهانشمول دارند. اسلام صرفاً بر اعتقاد مشترک تأکید دارد و هرگونه مرز درون جهان اسلام را نمی پذیرد. مرز اسلام دارالکفر می باشد هر چند در طول تاریخ اسلام به دلیل سنت الهی استدراج و فرصت یافتن کافران در این جهان متقابل «دارالاسلام» و «دارالکفار» عملاً وجود داشته است اما در مدینه فاضله مهدوی به دلیل پیروزی حق بر باطل چنین مرزی هم از بین خواهد رفت. روایات وارده در باب مهدویت اسلامی همگی بر این عنصر تأکید دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، باب ۲۷)

بی گمان هرگونه نفی و اثبات مطلق مقوله جهانی شدن نادرست است. بنابراین باید در هر مورد با توجه به خود موضوع تصمیم گرفت و واکنش مناسب را بروز داد. به ویژه آنکه اسلام خود نه تنها داعی جهانی شدن را دارد بلکه برنامه های عملی برای جهانی سازی نیز پیش بینی کرده است.

ساز و کارهای تحقق طرح جهانی سازی فرهنگ اسلام

ساز و کارهای جهانی سازی در عصر فن آوری و دنیای فرا رسانه ای بسیار بیش از پیش فراهم است از این رو باید با توجه به فن آوری روز و بهره گیری کامل از آن اندیشه فوق را به اجرا در آورد. درک درست و واقع بینانه از اوضاع جهان و توانمندی های بالقوه و بالفعل می تواند، ما را در این امر یاری رساند. بی گمان در عصر شبکه های ارتباطی اگر نیازهای جوامع مورد توجه قرار نگیرد و اصل سرعت در ارائه اطلاعات مورد توجه واقع نشود، به زودی عرصه بر مؤمنان و قرآن باوران تنگ خواهد شد، در عصری که زبان گفتاری و نوشتاری جای خود را به زبان نمایش فیلم و ابزارهای دیگر داده است، عدم توجه به این عرصه ها جا را برای دیگران و فرهنگ های ضد اسلامی باز خواهد کرد. بنابراین ضروری است تا با بازنگری اساسی در نظریه ها و ساز و کارها و سیاست های اجرایی راهبردهای بنیادین، قرآن را با ترجمه های صحیح و رسا به جهان عرضه



داشته و آن را جهانی سازیم تا فرهنگ قرآن غالب و چیره شود. چنان چه قرآن و اسلام دین جهانی و چیره است:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ» (مائده: ۴۸)

«و ما این کتاب (قرآن) را به حق به سوی تو فرستادیم، در حالیکه تصدیق کننده کتاب های پیشین و حاکم بر آنهاست.»

اگر چنین نکنید از گردونه رقابت جهانی فرهنگ سازی جهانی بیرون خواهیم شد. لذا به نظر می رسد باید در عرصه رقابت جهانی در اندیشه سازماندهی ترجمه های قرآن باشیم.

آسیب های جهانی شدن دین

یکی از دغدغه های کنونی اندیشمندان مسلمان چگونگی مواجهه با پدیده جهانی شدن است. ابهام در واژه های نو پدید، سبب رواج برداشت های متعدد و متنوع پیرامون آنها می شود. جهانی شدن یکی از این واژه هاست. گر چه در سال های نخست ورود این اصطلاح به زبان فارسی، بیشتر در حیطه مسائل اقتصادی به کار می رفت ولی امروزه سخن گفتن از ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن نیز در محافل علمی مورد توجه قرار گرفته است. (تاملنسون، ۱۳۸۱: ۱۴)

به نظر می رسد اگر جهانی شدن را به عنوان یک اصطلاح متداول در چند سال اخیر به کناری بگذاریم و تنها با تکیه بر مفهوم لغوی آن، به بررسی آموزه های دینی بپردازیم، به نتایجی می رسیم که می تواند در تحلیل مفهوم جهانی شدن به عنوان یک اصطلاح ما را کمک کند. مروری بر مفاد متون دینی و فرهنگی دینی ما را با این واقعیت غیر قابل انکار روبه رو می کند که دین (اسلام) یک پدیده جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است و امروزه نیز دینداران و پیروان آیین حنیف اسلام باید برای جهانی شدن آن بکوشند.

آیات قرآنی این ویژگی اسلام را گواهی می کنند. آیات زیادی از قرآن کریم به صراحت یا به صورت غیر مستقیم از جهانی بودن رسالت پیامبر و محدود نبودن آن به مصر و عصر

مشخصی سخن گفته است و نگاه جهانی دین را حکایت کرده است. به عنوان نمونه به این آیات می توان اشاره کرد:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف: ۱۵۸)
 «بگو ای مردمان، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم، خدایی که پادشاهی آسمان و زمین از اوست.»
 «و ما أرسلناك إلا رحمة للعالمين» (انبیاء: ۱۰۷)

«و ما تو را نفرستادیم، مگر رحمتی برای همه جهانیان»

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)

«کسی که فرقان را بر بنده اش فرو فرستاد تا بیم دهنده همه جهانیان باشد.»

تمامی مواردی که آیات قرآن با خطاب عام یا ایها الناس (ای همه مردم) آغاز می شود، می تواند شاهی بر جهانی بودن پیام قرآن باشد.

عموم مضامین قرآنی از روایات نیز قابل برداشت است. اگر به عنوان نمونه نگاهی به نهج البلاغه داشته باشیم از این عبارات- که مشابهات فراوانی هم در نهج البلاغه و هم در دیگر متون روایی دارد- می توان محدود نبودن پیام اسلام را به محدوده زمانی و مکانی خاصی برداشت کرد.

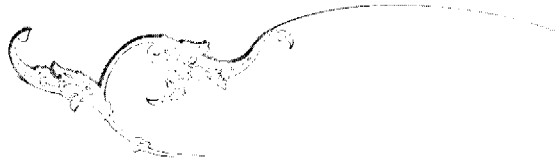
«أما بعد فإن الله سبحانه بعث محمدا صلى الله عليه و آله نذيرا للعالمين...» (نهج البلاغه: نامه ۶۲)

«اما بعد همانا خداوند سبحان محمد صلی الله علیه و آله را بیم دهنده همه جهانیان بر انگیخت.»

«فان فيه اسوه لمن تاسى...» (همان: خطبه ۱۶۰)

«همانا در او(پیامبر) الگویی برای هر که بخواهد الگو بگیرد وجود دارد.»

آنچه از سنت و سیره پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم در منابع تاریخی نقل شده است، نیز نشانه هایی آشکار از نگاه جهانی آن حضرت دارد و باز هم به عنوان نمونه می توان به چند حادثه اشاره کرد: پیامبر پس از صلح حدیبیه که نقطه پایانی بحران های داخلی حکومت نوپای مدینه بود- گر چه به صورت موقت- بی درنگ با ارسال نامه به سران قدرت های بزرگ جهانی آن روزگار، محدود نبودن دین اسلام به داخل مرزهای شبه جزیره عربستان را نشان دادند.





همچنین آن حضرت پس از گسترش قلمرو جغرافیایی حکومت مدینه و استقرار اقتدار مدینه بر سراسر شبه جزیره عربستان با اعزام سپاه به مرزهای روم در سریه موته و غزوه تبوک جهت گیری دین اسلام را برای گسترش آفاق مخاطبان خود رقم زد و بدینسان بذر فتوحات در دوره های پس از رحلت شریفش را افشاند.

استدلال عقلی: افزون بر این همه، لازمه اعتقاد به خاتمیت دین اسلام، جهانی بودن این دین است، زیرا اگر قرار باشد از این پس هیچ پیامبری مبعوث نشود، دین اسلام باید قابلیت پاسخگویی به نیازهای همه انسان ها را در همه زمان ها و همه مکان ها داشته باشد، یعنی باید دین اسلام هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی فراگستر و جهانی باشد تا نیاز همیشگی بشر به هدایت آسمانی را برآورده کند. با توجه به آنچه گذشت، به روشنی می توان دریافت که دین در هیچ جنبه ای بومی، محلی و موقت نیست بلکه سمت و سوی جهانی دارد. حال اگر دین هویتی جهانی داشته باشد دینداران نمی توانند و نباید مسیر دیگری را ببینند و طبعاً حکومت بنیاد یافته بر دین نیز باید ضمن توجه بایسته و درخور به مسائل داخلی خود افق جهانی داشته باشد و تحقق آرمان های اسلامی را نه فقط در قلمرو مرزهای جغرافیایی خود بلکه در پهنه گیتی وجهه همت خویش کند.

برخی چالش های فرهنگ قرآنی در عصر جهانی شدن

برخی از چالش ها و فرصت های پیش رو از جنبه مدرنیسمی بودن جهانی شدن بر می آید و برخی دیگر مربوط به بعد پست مدرنیستی آن می باشد. در این بخش ابتدا چالش هایی که جهانی شدن پیش پای فرهنگ قرآنی قرار می دهد و سپس فرصت های بوجود آمده را تجزیه و تحلیل می کنیم. با تحلیل محتوای درونی جهانی شدن و فرهنگ قرآنی و بررسی تطبیقی، آن دو چالش ها به چند دسته تقسیم کلی تقسیم می شوند:

تهدیدات فرهنگی در درجه اول ناظر به عناصر فرهنگ قرآنی یعنی، مبادی اعتقادی و باورها، ارزش ها و هنجارها و ... هستند. با توجه به اینکه باورها بخش زیرین و بنیادی هر



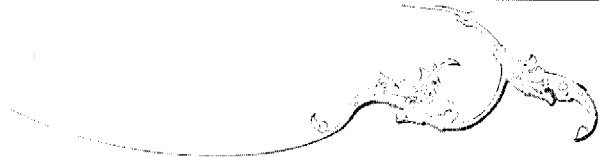
فرهنگی را تشکیل می دهند و هرگونه خدشه به این عنصر فرهنگی، کل نظام اعتقادی فرهنگ را در هم ریخته و به چالش می کشاند، مهم ترین چالش هایی که جهانی شدن در ارتباط با فرهنگ قرآنی به دنبال می آورد چالش هایی است که باورهای این فرهنگ را زیر سؤال برده و در تعارض با آن قرار می گیرند. اما مهم ترین بخش باورها، مسائلی است که به هستی شناسی و معرفت شناسی و انسان شناسی هر مکتبی پاسخ می گوید. پاسخی که جهانی شدن به اینگونه سؤالات می دهد به نگرش جریاناتی که بر فرآیند جهانی شدن سوار شده و افسار آن را به دست می گیرند بستگی دارد. در شرایط کنونی و دو جریان اصلی مدرنیسم و پسا مدرنیسم بیش از سایر جریانات متولی امر جهانی شدن بوده و دیدگاه های خویش را به دیگران دیکته می کند. این هر دو دیدگاه در بسیاری از مسائل زیر بنایی، در تعارض آشکار با فرهنگ قرآنی قرار می گیرند. برای مثال یکی از مهمترین ویژگی های هستی شناسی مدرنیسم فردگرایی می باشد.

فردگرایی یعنی نفی هر گونه اصل عالیه و برتر از فردیت و در نتیجه محدود کردن تمدن در جمیع شئون به عواملی است که جنبه انسانی صرف دارد. فرد گرایی یعنی خودداری از پذیرفتن یک اقتدار برتر از فرد و نیز یک معرفت برتر از عقل و استدلال فردی.

در اندیشه مدرن، انسان محوری جایگزین خدا محوری می شود. در حالیکه در فرهنگ قرآنی، خدا محوری ریشه تمامی اعمال و عملکردهای انسانی بوده و انسان بدون آفریدگار خویش هیچ جایگاه و ارزشی نخواهد داشت.

پست مدرن ها معتقدند هیچ حقیقت عالیه و غایت متعالی برای زندگی وجود ندارد، چنین نگرشی نیز با باورهای فرهنگ قرآنی در تعارض آشکار قرار دارد. در قرآن، خداوند نه تنها ابتدا، بلکه انتهای هر چیز نیز می باشد و سر انجام هر چیز به او ختم می شود. بنابر این دیدگاه برای هر چیزی غایتی است و غایت جهان به عنوان یک کل راجع به اصل توحید است، یعنی جهان به رغم تکثیرهای مختلف ریسمان مشترک و وحدت بخشی نیز دارد. یعنی همان وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت ... با جهان بینی توحیدی، نسبییت





گرایی در حقیقت چه به لحاظ هستی شناختی و چه به لحاظ معرفت شناختی نمی تواند قابل دفاع باشد. با نگاه به عالم به مثابه یک کل نمی توان از ذات زدایی و غایت زدایی از انسان دم زد. در بعد هستی شناسی، فرهنگ قرآنی با هر دو نگرش مدرنیستی و پست مدرنیسم در تعارض قرار می گیرد. باورهای مرتبط با هستی شناسی این فرهنگ همچون، خدا محوری، بعثت رسول اکرم و امامت معصومان و در رأس آن امامت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مورد سؤال قرار می گیرد. با این وصف روند کنونی جهانی شدن که به تسلط اندیشه های مخالف انجامیده است، امامت امام عصر و به تبع آن، زنده بودن آن حضرت را نیز مورد مناقشه قرار می دهد.

در بعد معرفت شناختی تعارضات، بسیار روشن و بدیهی است. در فرهنگ قرآن اولا حقیقت وجود عینی دارد، ثانیاً دستیابی به آن امکان پذیر است و ثالثاً راه های رسیدن به آن متعدد بوده و شامل، حس، عقل، شهود و وحی می باشد. این در حالی است که اندیشه مدرنیسم و پسامدنیسم، با چنین نگرشی همخوانی نداشته و حتی در تقابل با آن قرار می گیرند. در فرآیند جهانی شدن از اصلی ترین مدرنیسم خودگرایی ابزاری است که در مسیر تکاملی خویش تنها به معرفت تجربی بها داده و تنها روش دستیابی به حقیقت را از راه حس و تجربه قلمداد می کند و هرگونه شناخت متافیزیک و مابعدالطبعه را نفی می کند.

قرآن و جهانی شدن

قرآن کریم وحی نامه الهی است که برای هدایت نظری و عملی انسان در همه عصرها آمده است. در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که قرآن و معارف بلند آن در هر زمان نو و تازه است، همانند خورشید و ماه که همیشه چو برای همه زمان ها نور افشانی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۷۷)

انسان کامل که سمت رسالت الهی را دارد و حامل پیام خداست، اگر مظهر اسم اعظم و کامل ترین انسان ها باشد، کتابی را دریافت می کند که کامل ترین کتاب هاست و همه

پهنه زمین و وسعت زمان و گستره تاریخ را در بر می گیرد. از همین رو خدای سبحان قرآن را برای هدایت همگان بر قلب مطهر رسول اکرم (ص) نازل کرد:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ ...» (بقره: ۱۸۵)

«وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لَا نَذْرُكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ» (انعام: ۱۹)

«وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن مِّثْلِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (زمر: ۲۷)

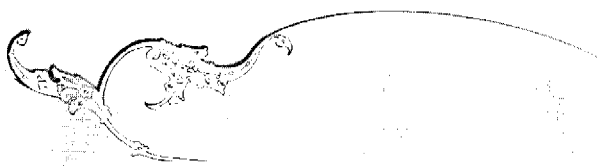
همچنین آیات تحدی نشانه بودن قرآن است، زیرا اگر کتابی برای هدایت گروه خاص یا عصر مخصوص نازل شده باشد زبان تحدی و دعوی دعوت آن در همان محدوده نزول کتاب آسمانی خلاصه می شود و حال آنکه قرآن همه جن و انس را به مبارزه فرا می خواند. تذکر این نکته نیز سودمند است که، معجزه هر پیامبری، گر چه رسالت او محدود باشد، برای همیشه به قوت خود باقی است و هیچ کس غیر از انبیا و اولیای الهی توان آوردن همانند آن را ندارد و چون دعوی رسالت با دعوت رسول هماهنگ است و تبلور دعوت نبی اکرم (ص) در قرآن کریم است هر دلیلی که بر جهانی بودن قرآن دلالت کند بر عالمی بودن رسالت رسول اکرم (ص) نیز دلالت دارد، همچنان که هر دلیلی که بر جهانی بودن رسالت رسول اکرم (ص) دلالت کند بر عالمی بودن قرآن مجید نیز دلالت خواهد داشت، زیرا این دو متلازم همدو دلیل هر کدام بالملازمه دیگری را نیز اثبات می کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

پیامبر گرامی حضرت محمد (ص) پیام قرآنی خود را که همان وحی الهی است، با ویژگی ابدیت برای تمامی بشریت اعلام کرده است و از زبان قرآن فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸)

«ای جهانیان همانا من فرستاده خدایم به سوی همه شما»

واژه رسول و جمیع نشان دهنده جهانی بودن و آنگاه جهانی شدن قرآن کریم و معارف متعالی آن است. همچنانکه معلوم است، این سخن به معنی وجود پدیده Globalization در قرآن نیست، بلکه به معنی جهانی بودن فرهنگ قرآنی در عصر جهانی شدن است چرا که، جهانی شدن در حوزه امروز، بیش از حوزه های دیگر جدی است.





قرآن ندای توحید، وحدت انسان و کثرت گرایی تمدنی و زبانی را در جهان سر می دهد (ایوب، ۱۳۸۱: ۱۴۲) خداوند متعال می فرماید:

«وَمِن آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْاِخْتِلَافِ السِّنِّكُمْ وَ الْوَالِدِكُمْ» (روم: ۱۴)

«و از نشانه های (قدرت) او آفرینش آسمان ها و زمین و اختلاف زبان های شما و رنگ های شماست.»
قرآن کریم این تکرر زبانی را که برخی منشأ تکثیر تمدن ها می دانند سبب برخورد تمدن نمی داند، بلکه آن را راهی طبیعی برای افزایش «معرفت بشری و حاصل شدن سعادت و رفاه جهانی» می داند.

آیات زیادی از قرآن کریم به صراحت یا به صورت غیر مستقیم از جهانی شدن رسالت اسلام و محدود نبودن آن به مکان یا زمان معین سخن گفته و نگاه جهانی دین اسلام را حکایت و ترسیم کرده اند و در برخی آیات تشکیل جامعه جهانی را بشارت داده اند.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ الْأَرْضِ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیا: ۱۰۵)

«و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد»

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا صَالِحَاتٍ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...» (النور: ۵۵)

«و خدا به کسانی که از شما مؤمنان ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرموده است که در زمین خلافت دهد چنان که امام صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شوند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند و بر همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.»

ترجمه های قرآن و چالش های جهانی شدن

تعریف جامعه

قبل از ورود به بحث ترجمه های قرآن و چالش های جهانی شدن، لازم است معنای دقیق و مورد نظر این پژوهش را از «ترجمه» بیان کنیم. باید دانست که ترجمه تنها برگرداندن الفاظ یا احیاناً نقش های دستوری از زبانی به زبان دیگر نیست. غایت اساسی هر ترجمه،



نخست رساندن پیام، محتوا یا منظور متن مبدأ است، این غایت و هدف نباید فدای الفاظ و دستور شود. در مراحل بعد، توجه به ساختارهای نحوی، صرفی و بلاغی و ایجاد تعادل میان ساختارهای متن مقصد و مبدا اهمیت می یابد. از میان تعاریف متعددی که زبانشناسان برای ترجمه، ارائه کرده اند ذکر سه نمونه را کافی می دانیم:

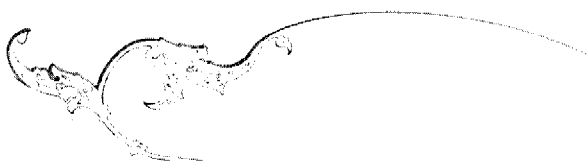
- «ترجمه جایگزینی مواد متنی در زبان مبدا با مواد متنی در زبان مقصد است» (کت فورد، ۱۳۷۰: ۴۲)

- ترجمه اساساً تغییر شکل یک زبان به زبان دیگر است. در عرف زبانشناسی، شکل یک زبان را مؤلفه هایی چون پاراگراف ها، جمله ها، جمله واژه ها، عبارت ها و واژگان تشکیل می دهد. به این مؤلفه ها «روساخت زبانی» می گویند. یعنی روساخت یک زبان را همین مؤلفه می سازد. پس ترجمه، جایگزین کردن روساخت زبان مقصد به جای روساخت زبان مبدأ می باشد. این جایگزینی هم به منظور انتقال معنا از حوزه زبان مبدأ به حوزه زبان مقصد صورت می گیرد. بنابراین، آنچه در ترجمه مهم است، دست یابی به هدف است. یعنی، «انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد».

- به نظر می رسد جامع ترین تعریف ترجمه با توجه به ماهیت فرایند سخن در چارچوب نظریه کاوی و متن کاوی، عبارت است از این تعریف: «ترجمه عبارت است از برگرداندن مفاهیم، چه نوشته و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ نامیده می شود به زبانی دیگر که زبان مقصد خواننده می شود، به طوری که متن ترجمه شده همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد در زبان مقصد نیز داشته باشد.» (باطنی، ۱۳۷۱: ۶۳)

ترجمه قرآن

ترجمه قرآن در طول تاریخ اسلام دو غایت متفاوت داشته است: انتقال و بیان معانی قرآن به زبان های دیگر و جانشینی ترجمه به جای اصل و حمل برخی احکام و اعتبارات قرآن به ترجمه آن. همچنین امکان و جواز ترجمه قرآن دو موضوع جدا از هم است: امکان ترجمه قرآن با دو رویکرد زبان شناختی و فلسفی و جواز ترجمه قرآن از دو منظر فقهی و کلامی





قابل بررسی است، لیکن هر نظری دربارهٔ امکان یا جواز ترجمه قرآن تابع نگرشی است که در باب ماهیت وحی و زبان متن قرآن از پیش اختیار شده است.

وحی قرآنی هم زمان واجد دو جنبه است، از یک سو کلام خدا (کلام الله) است و از سوی دیگر به زبان بشر (لسان قوم) نازل شده است. جنبه نخست آن (کلام الله بودن) یکی از اصیل ترین مشاخره های کلامی سده های نخستین اسلامی را شکل داده، در حالیکه جنبه دوم آن (به لسان قوم بودن) در مباحث کلامی مغفول مانده و به بررسی صرفاً زبان شناختی آن اکتفا شده است. همچنین پرسش از معانی و الفاظ قرآن و چگونگی انتساب هر یک از آنها به پیامبر در پژوهش های قرآنی دارای پیشینه است. به طور کلی، رأی اجماعی در میان مسلمانان آن است که وحی قرآنی مثلث است و هم معانی و هم الفاظ آن از خداست.

در بیش از ده آیه، به عربی بودن زبان قرآن کریم، که لسان قوم است، تصریح شده است (شعراء: ۱۹۵-۱۹۲، ابراهیم: ۴، فصلت: ۴۴، یوسف: ۲) و در آیاتی نیز بر شمول عام پیام وحی از نظر زمان و مکان، تصریح شده است. (سبا: ۲۸، فرقان: ۱، اعراف: ۱۵۸) به رغم برخی از متفکران مسلمان که زبان عربی را درخور حمل معانی می دانند، برخی بر این باورند که زبان قیدی محدود کننده در اظهار معانی وحی بوده و مجاز گویی قرآن، دست کم در بسیاری از موارد، ناشی از همین محدودیتهاست. این دو نظر مبنای قول به قداست یا عدم قداست ذاتی زبان عربی است.

انگیزه جهان غرب از ترجمه قرآن

احتمالاً نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتین، به استناد اظهارات شیخ ابو عبدالله زنجانی در کتاب تاریخ القرآن در سال ۱۱۴۳ م، توسط رابرت کتونی - دانشمند انگلیسی - انجام شد. این امر دستور و هزینه یک کشیش عالی رتبه فرانسوی مشهور به «پطروس جلیل» مسؤول دیر clogny و یک راهب مانی مذهب به نام Hermann عملی شد. این مطلب مورد تأیید مؤلف الذریعه نیز می باشد. وی چنین بیان می دارد: «اولین بار قرآن در سال ۱۱۴۳ م، به لاتین ترجمه شد. این مطلب را فرهاد میرزا در زنبیل و نیز ابوالقاسم سحاب در ترجمه تاریخ القرآن ذکر

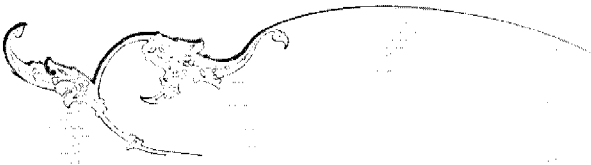


کرده اند و مترجم لاتینی این قرآن را برت کنت بوده که ترجمه را به منظور ایراد اعتراض بر قرآن نگاشته است و بار دیگر در سال ۱۵۰۹ م، توسط بیب لیاندر به لاتین ترجمه شد.» مؤلف کتاب المستشرقون و ترجمه القرآن معتقد است، رابرت سال ها جزو محفوظات دیر باقی ماند و سرانجام در سال ۱۵۴۳ م، در شهر بنک (Bak) توسط: تنودور بیلیاندر (Theodore Bibliander) به چاپ رسیده و پس از چاپ مدت ها اساس دیگر ترجمه های قرآن به زبان اروپایی بود. (البنداق، ۱۴۰۳: ۹۶-۹۵)

از ترجمه قرآن می توان به طور قطع مدعی شد که اینگونه مترجمان قصد نداشتند سهمی در نشر معارف قرآنی در ملل اروپایی دارا باشند بلکه غالب این ترجمه ها با نظارت مستقیم و دستور پاپ ها و کشیش ها صورت می گرفت و عمدتاً برای مقابله و مبارزه با قرآن و اندیشه توحیدی آن بوده است. در حقیقت قرآن از راه اندلس وارد اورپا شد و هدف از این ترجمه ها، عرضه آن به پدران روحانی برای رد آن بود.

شاید سلطه ترک های عثمانی بر مجارستان و ترس سیاستمداران از توسعه سلطه ترک بر تمامی اروپا، پدران روحانی را واداشت تا با چاپ و نشر کتاب هایی در رد قرآن و معاوضه با پیامبر اسلام، مسیحیان را برای مبارزه با دشمن نیرو بخشند. اما زمانی که دولت ترک عثمانی، زبان ترکی را به جای زبان عربی به عنوان زبان رسمی دولتی اعلام کرد، تعارض و تضاد میان مسلمان بودن و به زبان ترکی سخن گفتن آغاز شد. علی رغم اینکه، اسلام به عنوان مذهب حکومتی و زمی اعلام شد، لیکن بسیاری از محرمت شرعی آرام آرام، رنگ حلیت به خود گرفت، و بدین ترتیب تلاشی پیگیر برای قطع درخت تنومند اسلام و قرآن از این سرزمین آغاز شد. برای اولین بار قرآن به زبان ترکی ترجمه شد نه به منظور اینکه مردم ترک زبان با مفاهیم قرآن آشنا شوند چرا که تفاسیر قرآن به زبان ترکی کم نبود، بلکه، هدف محو عبارات و الفاظ عربی از زبان ترکی بود. کلیه مدارس دینی تعطیل شد حتی از آموزش کتب فقه، حدیث و غیره اجتناب می شد. با جمع بندی مطالب یاد شده می توان نخستین انگیزه های غالب ترجمه قرآن را به شرح زیر بیان داشت:

۱. رد مفاهیم قرآنی و نشر و رواج جوایبه ها و ردیه های گوناگون بر قرآن کریم و به عبارت



خلاصه تر، معاوضه با قرآن.

۲. محو زبان عربی و الفاظ عربی و جلوگیری از رسمیت یافتن جهانی این زبان.

۳. حذف قرآن معجز به زبان عربی از میان مسلمین به عنوان عامل قدرتمند وحدت بخش.

لزوم بازخوانی ترجمه های قرآن

امروزه در پرتو گرایش و بازگشت به معنویت و نیاز روزافزون جوامع به راه های شناخت خود و هستی و نیز بازشناسی میراث گذشته به ویژه در نگرش پسامدرنیته که تجدد بدون گسست از سنت را اصالت می دهد، بازخوانی و بررسی ترجمه های قرآن بیش از پیش آشکار شده است. شاید برای برخی گردآوری و بررسی ترجمه های قرآن امری بیهوده بنماید، به توهم آنکه چیزی بر آنچه گذشتگان فراهم آورده اند، نتوان افزود، ولی بی گمان بازخوانی آن آثار در راستای بهره گیری از دانش و فنون روز به خصوص رایانه و همخوانی آن با مفاهیم روز و نوآمد، امری پسندیده، بلکه بایسته است. این بایستگی از آنجا خود را تحمیل می کند که شیوه های هر عصری متأثر از فرهنگ و آداب زمان خود است. بنابراین، لازم است با توجه به نیاز روز، این ترجمه های قرآنی امروزین شده و در قالب های نوین به تشنگان حق و حقیقت ارائه و به روز شود.

از اینجاست که ارزش ترجمه های گذشتگان خود را می نمایاند و بر ما حکم می کند تا با نگاه و خوانش آنچه از سنت به میراث برده ایم، در دانش روز به ترازوی عیار کشیم و سره از ناسره، یا صحیح از سقیم را باز شناسیم، این گونه است که می توانیم پس از سده ها گردآوری و تدوین، به تحلیل رو آوریم و در مقام برنامه ریزی آنچه سازوار با شرایط و مقتضیات زمان یافته ایم به کار گیریم.

اهمیت و ضرورت امروزین ترجمه قرآن کریم

در خصوص ترجمه متون دینی و اسلامی، تلاش هایی صورت پذیرفته که هنوز هم ناچیز به نظر می رسد و خلأ حرکت های بزرگ و ارزشمند، کاملاً محسوس است. ما با وجود


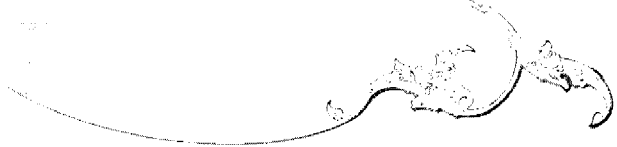
دسترسی به ذخایر علمی و دینی ناب، جهت معرفی اسلام به جهانیان کاری نکرده ایم. امروزه تنها کانال ارتباطی با ملل و کشورهای گوناگون، دانستن و فراگیری زبان انگلیسی است. این زبان به عنوان زبانی بین المللی شناخته شده است و بر این اساس اگر اثر و حرکتی بخواهد خود را به جهانیان بشناساند، بایستی از ابزار جهانی شدن که همان زبان انگلیسی است به نحو شایسته ای برخوردار باشد، بنابر این اصل، اگر منابع دینی و اسلامی ما که در رأس آنها قرآن کریم قرار دارد، نتواند جایگاه واقعی خود را در عرصه جهانی بنا نهد و معرفی درخور و شایسته ای از آن به عمل نیاید، ما مسلمانان به دلیل سستی در انجام رسالت خود، مدیون پیشوایان و آموزه های اسلامی خود می شویم. این مهم وظیفه ماست تا معرفت ناب دینی را به همه فرهنگ ها و ملل دنیا انتقال دهیم و زمینه را برای ظهور منجی موعود (عج) آماده کنیم. تا آمادگی و شناخت در بین مردم جهان نسبت به اسلام به وجود نیاید، چگونه می توان انتظار داشت که دین اسلام جهانی شود. تا هنگامی که شناخت و معرفت نسبت به اسلام نزد جهانیان کامل نشود ظهور منجی معنایی نخواهد داشت.

لازم به ذکر است که بیش از ۲۶۰۰ زبان زنده در دنیا وجود دارد که قرآن کریم به تعداد اندکی زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. این در حالی است که کتاب مقدس مسیحیان (انجیل)، به ۲۴۰۰ زبان ترجمه شده است. اگر بر فرض مثال، تمامی امکانات و وسایل لازم و کافی فراهم شود تا هر سال ۲۰ ترجمه از قرآن به انجام برسد، باز هم ۱۲۰ سال نسبت به کتاب مقدس (انجیل) عقب خواهیم بود.

ویژگی های ترجمه قرآن کریم

قرآن کلامی است که نزول آن از عالم اعلای قدرت و ظهور آن در حلیه عباراتی برتر از بلاغت و تاثیر حکیمانه آن در هدایت، بسی شگفت انگیز و خیره کننده است. کتابی که پرتو هدایت آن زوایای روح، فکر، نفسیات و روابط حدود و حقوق خلق را با یکدیگر و همه را با خلق و اعمال را با نتایج روشن کرد و نفوس را رو به صلاح و اصلاح پیش برد.





برای ترجمه یک چنین کتابی با چنین ویژگی های بی دلیل و بی نظیر در عصر جهانی شدن و در حالیکه عمده متکلمان و مخاطبان آن در سرتاسر گیتی، دریافت درستی از اندیشه ها و فقه اسلامی ندارند و زمینه های اعتقادی آنان تا حد قابل اعتنایی متفاوت از ماست، کار دشوار و دشوارتر می شود و مترجم ناگزیر است به شیوه هایی متوسل شود و افزوده هایی در متن ترجمه داشته باشد تا خواننده بیگانه با معانی اسلامی دریافتی دقیق و منطقی و فارغ از کژ فهمی داشته باشد و یک چنین ترجمه ای مستلزم آن است که مترجم نه تنها زبان مبدا را بشناسد و به زبان مقصد تسلط تام و تمام داشته باشد بلکه پیام یعنی کلام وحی را با ذره ذره هستی خویش دریافته باشد، با دلایل نزول و یا شأن نزول یک یک آن آیات آشنا باشد یا به عبارت دقیق تر آن مفاهیم را ملکه خویش کند، فراتر آنکه به لایه زیرین معنایی آن پی برده باشد.

نتیجه گیری

با عنایت به مراتب فوق و اهمیت جهانی سازی فرهنگ قرآنی در عصر جهانی شدن، ترجمه قرآن ضرورتاً باید متصف به ویژگی های خاصی باشد تا از رهگذران آن، آرمان های جهانی قرآن در سرتاسر جهان تحقق یابد. ذیلاً به برخی از این ویژگی ها اشاره می شود:

۱. قابلیت ارتباط با توده مردم: متأسفانه ترجمه هایی که از قرآن به عمل آمده نتوانسته اند با قلب جامعه که مردم عوام هستند ارتباط برقرار سازد. این در حالی است که مخاطبان اصلی کلام وحی، مردم هستند و نه قشر خاصی از آنها. در زمان انبیای الهی، تمام سعی و تلاش در برقراری ارتباط با توده مردم بوده است. اما آنچه که امروز رخ می دهد، خلاف این اصل را نمایان می کند. ترجمه هایی که امروزه انجام می گیرند یا بلاغت ادبی فراوان دارند و یا از زبانی بسیار خشک و سنتی بهره مندند. مترجمان قرآن باید خلاقیتی داشته باشند که بتوانند شاهره ارتباطی به درون توده مردم را در قالب زبان بیابند و از همین کانال ارتباطی آموزه های ناب و جاوید الهی را در تک تک سلول های جامعه تزریق کنند.

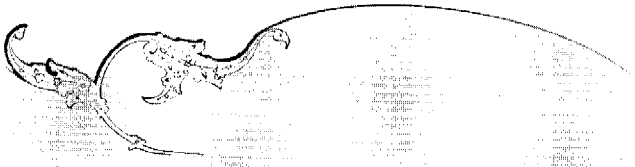
۲. معادل یابی: یافتن برابر و معادل، برای لغات و اصطلاحات و تعبیرات، از مراحل دشوار

ترجمه است. مترجم هر چه ادیب تر و پرمطالعه تر باشد، به لحاظ وسعت دایره معلوماتش بهتر و دقیق تر می تواند معادل یابی کند. گاهی در متن، کلمه ای به کار رفته است که خود دارای چندین معناست. در ترجمه باید از میان معادل های نزدیک به هم، آن را که دقیق تر، نزدیک تر و مصطلح تر است برگزید. اینجاست که تسلط و مهارت مترجم در این سه زمینه کارساز است: الف) معادل یابی ب) معادل گزینی. ج) معادل سازی.

۳. برخورداری مترجم از شایستگی علمی: پر واضح است که ترجمه قرآن در توانایی هر کسی نیست و این رشته نیز برای خود ویژگی هایی دارد. مهمترین عامل در موفقیت ترجمه، صلاحیت علمی مترجم آن اثر است. مترجم قرآن باید تسلط زیادی در ادبیات عرب داشته باشد. قرآن کتابی است که معجزه پیامبر خاتم (ص) بوده و اعجاز بلاغی آن موجب منحصر به فرد بودن و جاودانگی آن است و از طرف دیگر آیات قرآن گاهی علاوه بر برخورداری از زیبایی و اعجاز بلاغی، حاوی اصول و احکام شرع مقدس نیز می باشد که در اینجا تحصیلات علوم دینی مترجم یکی از بایسته های ترجمه محسوب می شود.

۴. تسلط بسیار بالا در زبان مقصد: چون رویکرد این مقاله، چالش های ترجمه قرآن در عرصه جهانی شدن است، لذا منظور از تسلط بر زبان مقصد، بدین معنی نیست که به عنوان مثال هر انگلیسی زبان (Native Speaker) می تواند مترجم خوبی باشد. مترجم نه تنها بر زبان مبدأ مسلط باشد و در آن مهارت پیدا کرده باشد، بلکه زبان مقصد یا مادری خود را نیز بایستی خوب بداند و با ادبیات آن کاملاً آشنا باشد. به تعبیری دیگر، مترجم باید در زبان مقصد، ادیب باشد.

۵. داشتن نگاهی فراملی و توجه به سایر فرهنگ های جهان: مترجم تا نتواند بازار کار و مخاطب خود را خوب بشناسد، ترجمه اش نخواهد توانست جای خودش را در میان ملل مختلف پیدا کند. ضرورت نگاه بین فرهنگی و فراملی، به شکستن پوسته و غشایی می ماند که لازمه رشد و حرکت به سوی تکامل است. ترجمه بنابر تعریفی دقیق، عبارتست از انتقال یک دستگاه زبانی به دستگاه زبانی دیگر. به عبارت بهتر، انتقال یک فرهنگ به فرهنگی دیگر. این لازمه آن است که مترجم آگاهی کافی نسبت به فرهنگ زبان مبدأ و فرهنگ





زبان مقصد داشته باشد. لازمه برخورداری از چنین رویکردی، داشتن مطالعات تاریخی و جغرافیایی و حتی اجتماعی از جامعه زبان مبدا است. در گام دوم، همان طور که در مطالب پیشین اشاره شد، یک مترجم هر چند در زبان مقصد از مهارت کافی برخوردار باشد، اما بایستی در اصول و شیوه ترجمه نیز کارشناس و استاد فن باشد. با چنین بضاعتی می توان امیدوارانه به آینده ترجمه در عرصه جهانی شدن نگریست.

۶. رعایت اخلاق حرفه ای و عدم دخالت تمایلات شخصی: علاوه بر تخصص و مهارت، مترجم نباید نسبت به محتوا یا موضوع خاص، نظرگاه شخصی خود را اعمال کند و «متعهد» به متن آیات قرآن کریم باشد. دخالت دادن دیدگاه و پیش فرض های شخصی در ترجمه، موجب انحراف معانی از خاستگاه اصلی و مراد و مقصود الهی گشته و خود مانعی بر سر راه رسالت جهانی قرآن می شود.

۷. مترجم بایستی در انتقال مطالب، نهایت امانتداری را به خرج دهد و اگر گاهی اوقات، مطالبی مبتنی بر فرهنگ و اقلیم زبان مبدأ است که در فرهنگ زبان مقصد نیست با همانندی اندکی که دارد، اینجاست که مترجم باید با اشراف علمی و مطالعاتی منسجم و گسترده، به کندوکاو بپردازد و قرینه ای مناسب و متناسب برای آن بیابد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ایوب، محمد. ۱۳۸۱. «ادیان از منظر قرآن». فصلنامه پژوهش های قرآنی. ترجمه مجید مرداد. شماره ۳۱.

باطنی، محمد رضا. ۱۳۷۱. بیامون زبان و زبانشناسی. ج ۱. تهران: فرهنگ معاصر.

بنداق، محمد صالح. ۱۴۰۳ ق. المستشرقون و ترجمه القرآن. بیروت: منشورات دارالافتاح الجدیده.

بیهقی، ابوبکر. ۱۴۰۴ ق. المدخل الی السنن الکبری. کویت: دارالخلفاء لالکتی الاسلامی.

پلینزح، کلسی. ۱۳۵۷. فرهنگ روابط بین المللی. ترجمه حسن بیستا. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.



- تامپلسون، جان. ۱۳۸۱. جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- جوادی آملی. ۱۳۸۴. صهبای حج. قم: مرکز نشر اسراء.
- خلیلیان، سید خلیل. ۱۳۶۲. حقوق بین الملل اسلامی. جلد اول. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. ۱۴۱۲. مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: بی نا.
- شاطر، محمد مصطفی. ۱۳۵۵. القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المجید. قاهره: بی نا.
- طهرانی، آغا بزرگ. ۱۴۰۳. الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
- عبده، محمد. بی تا. بحث فی ترجمه القرآن الکریم و احکامها. بیروت: دارالکتب الجدید.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد ابن عمر. ۱۴۱۱. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کت فورد، جی. سی. ۱۳۷۰. یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبانشناختی. ترجمه احمد صدارتی، ج ۱. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۲. بحار الانوار. چاپ سوم. بیروت: دارحیا التراث العربی.
- محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۲. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران: بی نا.
- ممنحن، مهدی. ۱۳۸۹. «موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم». فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی فدک. س ۱. ش ۴. ۱۹۰-۱۷۳.
- موریس، بوکای. ۱۳۶۴. مقایسه میان تورات انجیل قرآن و علم. ترجمه ذبیح الله دبیر. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

